

کوچک از بزرگ کوچک تر است

○ عنوان کتاب: هلی فسقلی در سرزمین غولها (دو جلد)

○ نویسنده: شکوه قاسم نیا

○ تصویرگر: فرشید شفیعی

○ ناشر: پیدایش

○ نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱

○ شماره گان: ۳۰۰۰ نسخه (هر جلد)

○ تعداد صفحات: ۱۷۵ - ۲۰۶ صفحه

○ بها: ۲۱۰۰ تومان (دو جلد)

○ محمود برآبادی



همچنان که نویسنده در پشت جلد کتاب‌ها به معرفی آن پرداخته، ماجرای دخترکی ده ساله به نام هلی فسقلی است. هلی فسقلی با بچه غولی به نام شابی بی غوله دوست می‌شود و با او به سرزمین غول‌ها می‌رود. مادرشابی بی غوله، فسقلی را می‌پسندد و او را پسرش خواستگاری می‌کند، اما پسر او کسی

نیست جز دایی رستم هلی فسقلی.

دایی رستم به جنگ غول بل بله گوش می‌رود و اسیر می‌شود. هلی فسقلی، شابی بی غوله و دو آدمیزاد یعنی بابا ریش سفید و خاله خال خالی، تصمیم به نجات او می‌گیرند و سفر پرماجرا و خطرناک خود را به سرزمین بلبله گوش‌ها آغاز می‌کنند.

و البته سرانجام، این داستان با موفقیت هلی فسقلی و از بین رفتن بل بله گوش، یعنی پیروزی خیر بر شر به پایان می‌رسد. البته ماجراهای بسیاری در خلال این ۳۸۱ صفحه رخ می‌دهد که بازگو کردنش به صفحات زیادی نیاز دارد و در همین حدود کفایت می‌کند.

○ روانی‌نثر

ابتدا باید گفت که نویسنده از نثری روان و قابل درک کودکان برخوردار است و جز در چند مورد که آن هم قابل چشم‌پوشی و یا اصلاح است، مشکل

نگارش رمان برای نوجوانان در سال‌های اخیر، از سوی نویسندگان این گروه سنی، به فراوانی آغاز شده است و هم‌چنان ادامه دارد. بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان، در زمینه رمان نوجوانان طبع آزمایی کرده‌اند و این مرحله از کار خود را جدی‌تر از قصه‌ها و داستان‌های کوتاه خود قلمداد می‌کنند.

اما رمان کودک، کاری است که تازه آغاز

شده و شاید یکی از نخستین‌ها «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها»، اثر شکوه قاسم‌نیا باشد.

این که آیا این اثر دوجلدی با مجموع ۳۸۱ صفحه، برای گروه سنی کودک مناسب است و از سوی آنان استقبال خواهد شد، باید صبر کرد و انتظار کشید و قضاوت نهایی در این زمینه زود است. اگر چه تعیین گروه سنی کودک، با توجه به ویژگی‌های جامعه ما از لحاظ زبان رایج و رسمی کشور، فرهنگ‌های قومی، اختلافات طبقاتی و سایر عوامل تأثیرگذار دیگر، قدری دشوار است و به بحث‌های جداگانه‌ای نیاز دارد، اما همین که نویسنده، اثر خود را ویژه گروه سنی کودک دانسته، از نظر نگارنده، جسارت بزرگی کرده و چه بسا این اقدام، اقبال خوانندگان را در پی داشته باشد.

○ هلی فسقلی کیست؟ داستان «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها»



خاصی در ارتباط با مخاطب، از لحاظ کلامی پیدا نمی‌کند. من و شابی بی غوله توی خانه خاله خال خالی با هم آشنا شدیم. خاله جانم داشت عدس پاک می‌کرد. من هم کمکش می‌کردم. یک دفعه صدای گامب و گامبی شنیدم. ترسیدم و از هول، عدس‌های پاک نشده را ریختم قاتی پاک شده‌ها.» (ج اول ص ۱۳)

جملات کوتاه و ساده و استفاده از بیان مستقیم و گزاره‌های معلوم درک داستان را برای خواننده بسیار آسان کرده است:

«من و باباریش سفید گاه گاهی به هم نگاه می‌کردیم و آه می‌کشیدیم. غیر از آه کشیدن چه کار می‌توانستیم بکنیم؟ نه حرفی برای گفتن داشتیم و نه راهی برای فرار! هر دو انتظار دردناک رسیدن آخرین لحظه عمرمان را می‌کشیدیم.» (جلد دوم ص ۱۶۷)

به جز جمله پایانی که قدری طولانی و پیچیده است - البته با توجه به سن مخاطب - بقیه جملات روان و زیباست.

افزون بر این، بعضی ابتکارات کلامی نیز به شیرینی کار افزوده است. از جمله: خاله خال خالی، باباریش سفید، حضرت فیل، مارغولک (همانند مارمولک)، زندان مارمیله، ماماچهارچشمی، بی بی غول بانو و... را می‌توان نام برد.

○ منطق دنیای فانتزی

اما نکته‌ای که باید روی آن تاکید کرد، این است که گرچه در دنیای افسانه‌ها و افسانه‌های نو - که این اثر جزو آن‌ها قرار می‌گیرد - دست نویسنده در خلق دنیای فانتزی و غیرواقعی باز است، و گرچه نویسنده محدودیتی در به کارگیری آدم‌ها و حیوان‌ها [و حتی حیوانات غیرواقعی مانند - غول و جن - ندارد و نیز می‌تواند زمان و مکان را نادیده بگیرد، باید گفت که افسانه‌ها نیز

در جهان افسانه‌ها نیز قوانینی وجود دارد.

شما نمی‌توانید قصه‌ای بنویسید و بگویید که در نوشته من، کوچک ترها از بزرگ ترها بزرگ ترند؛ مگر این که از ابتدا و به دلایلی که منطق داستان را ایجاد کند، این پیش شرط را برای خواننده بگذارید، پیش شرط هم در واقع نوعی شرط و قرارداد است، منتهی نه قراردادی از پیش اعلام شده، بلکه قراردادی که ما به عنوان نویسنده با خواننده خود می‌گذاریم و لازم است به آن وفادار بمانیم



منطق خاص خود را دارند. مثلاً در هیچ افسانه یا قصه‌ای نمی‌توان گفت که «خرگوش شیر را یک لقمه کرد و خورد» اگر هم چنین چیزی بگوییم، خواننده - هر چند کودک هم باشد - از ما نمی‌پذیرد. دنیای فانتزی هم قواعدی دارد که گرچه مانند دنیای واقعی محدود و بسته نیست، پذیرفتنی و قابل اتکاست؛ چرا که اگر غیر از این بود، اصولاً داستان یا قصه به وجود نمی‌آمد و بحث درباره ساختار قصه و اجزای آن هم چون پیرنگ، شخصیت‌پردازی، تداوم زمانی و پیوستگی مکانی، حقیقت ماندنی و... بیهوده بود.

وقتی نویسنده‌ای قصه‌ای می‌نویسد، بر اساس یک سری مفاهیم مشترک و تعاریف از پیش پذیرفته شده بین نویسنده و خواننده، کار خود را آغاز می‌کند و هر کجا که بخواهد این اصول را زیر پا بگذارد، باید توجیهی - در چارچوب دنیای داستان - برای آن داشته باشد. به عبارتی، در جهان افسانه‌ها نیز قوانینی وجود دارد. مثلاً این اصل ساده و بدیهی که:

«کوچک از بزرگ، کوچک‌تر یا دراز از کوتاه درازتر است.»

شما نمی‌توانید قصه‌ای بنویسید و بگویید که در نوشته من، کوچک ترها از بزرگ ترها بزرگ ترند؛ مگر این که از ابتدا و به دلایلی که منطق داستان را ایجاد کند، این پیش شرط را برای خواننده بگذارید، پیش شرط هم در واقع نوعی شرط و قرارداد است، منتهی نه قراردادی از پیش اعلام شده، بلکه قراردادی که ما به عنوان نویسنده با خواننده خود می‌گذاریم و لازم است به آن وفادار بمانیم.

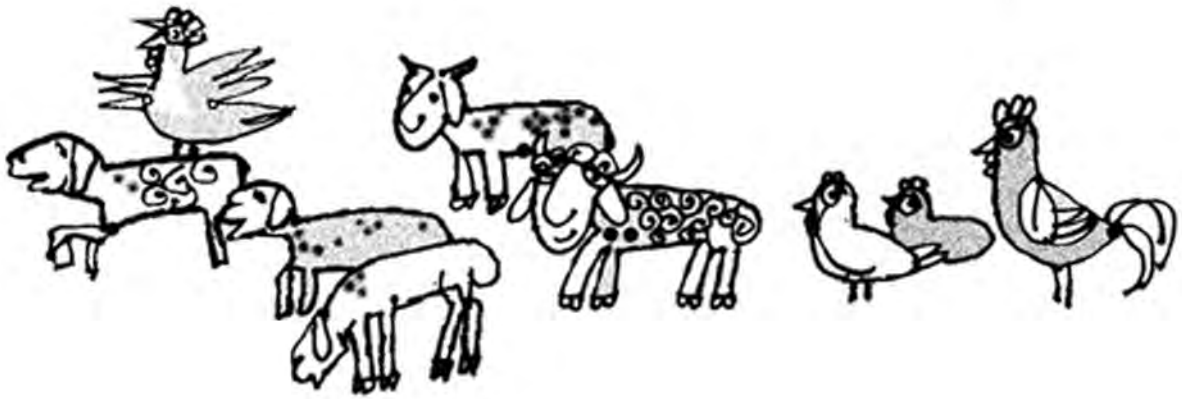
وقتی شما انسان‌ها را وارد دنیای غول‌ها می‌کنید و همه جا از اندازه‌ها و مقیاس‌های واقعی، اندازه درخت، قد آدم‌ها، پله‌ها، مساحت اتاق‌ها، بزرگی و کوچکی اشیاء و پدیده‌ها صحبت می‌کنید، خواننده - چه کودک و چه نوجوان - انتظار دارد که شما این تناسب‌ها را تا حدودی رعایت کنید. در رمان هلی فسقلی، تناسب‌های ابعاد و اندازه‌ها رعایت نشده است. شابی بی غوله، آن قدر بزرگ است که خاله خال خالی در سوراخ گوش او می‌خوابد، آن وقت این دو بدون هیچ مشکلی با هم حرف می‌زنند، راه می‌روند، کار مشترک می‌کنند و با تور غول‌گیری، هلی فسقلی را به دام می‌اندازند. به طور کلی، می‌توان گفت که موارد عدم رعایت تناسب‌ها در این داستان بسیار زیاد است؛ آن چنان که گاهی خواننده فراموش می‌کند که کدام غول و کدام انسان است.

○ باورپذیری و واقع‌نمایی

یکی از زیبایی‌های داستان گالیور، دقت در اندازه‌هاست و همین دقت است که داستان را علی‌رغم واقعی بودن، باورپذیر می‌کند. این همان پای‌بندی به قراردادی است که بین نویسنده و خواننده برقرار شده است. باید توجه داشت که باورپذیری یا واقعیت‌نمایی، دو مقوله جداگانه در داستان است که گرچه پیوندهایی با هم دارند، متفاوت از همدانند. یک رمان یا داستان می‌تواند غیرواقعی باشد - چنان که بسیاری از داستان‌های تخیلی این گونه‌اند - اما باورپذیرند، یعنی خواننده این موضوع یا واقعه را در چارچوب داستانی‌اش می‌پذیرد. پذیرفتن حرف‌های نویسنده از سوی خواننده که از آن به عنوان باورپذیری نام برده می‌شود، مهم‌ترین اصل داستان‌های تخیلی است. البته یک نکته را نباید نادیده انگاشت که این اصل یک معیار مطلق نیست که با اندازه‌گیری کمی قابل محاسبه باشد، بلکه یک ملاک نسبی است که چنانچه از جانب اغلب مخاطبان بیان شود، قابل استفاده است.

افزون بر این، زمان نیز در رمان هلی فسقلی، تابع قاعده‌ای نیست. بعضی چیزها مانند ماشین، اسپری، تفنگ، خلبان، هواپیما، آرپی‌جی و بمب اتم مربوط به زمان حال است، در حالی که برخی چیزها مانند شمشیر و تیرو کمان مربوط به گذشته است. گرچه ممکن است گفته شود که در برخی داستان‌ها یا فیلم‌های تخیلی نیز اینگونه قراردادهای شکسته شده است. در پاسخ باید گفت که اولاً این کار جزو نقاط قوت کار محسوب نمی‌شود و دوم اینکه به گونه‌ای باورپذیر عمل شده است. نادیده گرفتن زمان داستان نیز باید منطق داستانی داشته باشد.

ماجرای سفر هلی فسقلی، با خاله خال خالی، بابا ریش دراز و شابی بی غوله



مربایی شیرین بپزند
و با صبحانه زهمارشان کنند
آه که چه بیچاره شدیم، دایی رستم چه
بیچاره شدیم...» (جلد دوم ص ۱۳۸ و ۱۳۹)
O یادآوری چند نکته

استفاده بیش از حد نویسنده از نمادها و
نشانه‌های افسانه‌ای و گاه اسطوره‌ای، این تصور
را ایجاد کرده که نویسنده در بهره‌گیری از
امکانات دنیای تخیلی افسانه‌ها دست به انتخاب
نزده، بلکه کاملاً متغفلانه عمل کرده است.
می‌توان فهرستی از این نمادها و نشانه‌ها را
تعریف کرد: اژدهای هفت سر، غول سه کله،
زندانی قله قاف، زنبورهای خون‌آشام، فیل بالدار،
کلاغ‌های غول پیکر، غول‌های آدم خوار، پرنده
غول پیکر، مورچه‌های آدم‌خوار، درخت شاغول
فوتینا و... هم چنین، کاربرد اعداد خاص که
بیانگر فضای افسانه‌ای رمان است، مانند عدد ۳

در غول سه کله، عدد ۷ در اژدهای هفت سر، عدد ۴۰ در چهل گیس و تالار
چهل در و عدد ۱۰۰۰ در جلاد هزار دست، بیش از اندازه است.

به نظر می‌رسد که توصیف برخی از صحنه‌های چندش‌آور - با توجه به
گروه سنی مخاطب - کمکی به زیبایی کتاب نکند، صحنه‌هایی مانند:

- حالا اگر ذره‌ای از گوشت و پوست غول اعدام شده به شاخ کنده شده‌اش
چسبیده بود، اتفاق تازه‌ای می‌افتاد. (ج ۲ ص ۹۵)

- روزی مورچه‌ای نانوا از آرد استخوان‌های نان خواهد پخت. (ج ۲ ص
۱۱۳)

- بله این بود جایزه من! بریدن سر غول، کباب کردن آن و خوردنش. (ج
۲ ص ۱۲۱)

- جوجه کباب شدن چه سخت است، به سیخ کشیدن چه دردناک است.
(ج ۲ ص ۱۶۸)

یک نکته را نیز باید یادآور شد که یک کرم خاکی هرچقدر هم بزرگ شود،
تبدیل به مار نمی‌شود. این خزنده‌ها دو گونه متفاوت‌اند.

در پایان، باید گفت که رمان «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها»،
مجموعه‌ای ناهمگون است از افسانه‌های جن و پری یا داستان‌های تخیلی،
همراه با ماجراهایی درباره همه چیزهایی که ممکن است یک نویسنده تحت
تأثیر فیلم‌های تخیلی و سریال‌ها و کارتون‌ها نگاه داشته باشد.

این رمان با آن که مفصل است،
اما گره داستانی ندارد، تنها تعدادی
فراز و فرود داستانی وجود دارد.
به عبارتی، رمان مجموعه‌ای از
ماجراهای ریز و درشت است که
بی‌وقفه به دنبال هم ردیف
شده است

سوار بر فیل بالدار نیز ضمن آن که تصور هرچند
خیالی پرواز فیل، آن هم در حالی که یک بچه
غول را بر پشت سوار کرده دور از ذهن به نظر
می‌رسد، نسبت به کل داستان بسیار طولانی
است.

این رمان با آن که مفصل است، اما گره
داستانی ندارد، تنها تعدادی فراز و فرود داستانی
وجود دارد. به عبارتی، رمان مجموعه‌ای از
ماجراهای ریز و درشت است که بی‌وقفه به دنبال
هم ردیف شده است. در حالی که انتظار می‌رفت
وقایع در یک رمان ۳۷۱ صفحه‌ای نسبتاً
پیچیده‌ای در هم تنیده شده باشد که خواننده
بخواهد تا پایان داستان ماجرا را دنبال کند و در
نتیجه کشش لازم را به همراه داشته باشد.

کشتن اژدهای هفت سر به وسیله قهرمان
داستان که دختری ۱۰-۹ ساله است، آن قدر بعید
به نظر می‌رسد که حتی در چارچوب افسانه‌هایی

این چنین نیز پذیرفته نیست. از دختر بچه‌ای ضعیف و ترسو (ج ۲ ص ۱۶۲)
که هیچ ویژگی بارزی جز شیطنت از او سراغ نداریم، دختری که وقتی غول‌ها
او را توی دیگ آب جوش می‌اندازند تا بپزند و بخورند، شعرهای آبکی و بدون
وزن و قافیه می‌گوید چنین رفتاری دور از انتظار است، که البته با توجه به سن
مخاطب رمان، بهتر بود شعرها موزون و مقفی بود:

«شیشه عمرت کجا بود، دایی رستم؟

شیشه عمرت کجا بود؟!

نه در طرف راست گردنت

و نه در گوش چپت

نه راست و نه چپ...»

آه که چه بیچاره شدیم، دایی رستم.

اگر امروز نه، فردا

مرا و تو را می‌پزند و می‌خورند

و از کاسه سرمان

ظرف سوپ خوری

خواهند ساخت

آه که چه مهربان بودی، دایی جان

و چه شیرین زبان

شاید که از شیرینی زبان تو